

بعثت حضرت رسول؛ اتمام حکمت آفرینش



لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عتم حریص
علیکم بالمومنین رؤف رحیم.

عصری که کثرفکریها و خرافات بیداد می‌کرد و قتل عامها و جنگها فراوان بود. تمززل و انسطراب، کاملاً در مردم هویدا بود و به فرموده قرآن، همه در گمراهی آشکار به سر می‌بردند.^(۱)

در چنین روزگاری که بشریت، دچار سختترین بحرانها شده و زندگی، به صورت جهنمی فروزان درآمده بود و جهان، همچون کشتی بی یادبان در امواج سهمگین اقیانوس به این سو و آن سو می‌رفت، انسانی را می‌بایم با ویژگیهای شگفت، مردی که هرگز در دوران حیاتش ثروت و مال و جاه در وجودش تأثیری نداشت. مردی که سرراهی و جسودش رحمت و مهربانی، دانش اندوزی و پیراستگی بود. انسانی که

«ملتها در خوابی طولانی فرو رفته بودند. سر رشته کارها از هم گسیخته بود. جنگ در همه جا شعله‌ور بود. دنیا را تاریکی جهل و گناه، تیره ساخته بود. فریبکاری، آشکار بود. برگهای درخت زندگی بشر به زردی گراییده و از آن، امید نمری نبود. آنها فرو رفته، فروغ هدایت خاموش شده بود. بدبختی به بشر هجوم آورده و چهره کربیه خود را نمودار ساخته بود. این فساد و تیره روزی، چیزی جز فتنه و آشوب به بار نمی‌آورد. ترس، دل‌های مردم را فرا گرفته و بناهنگامی، جز شمشیر خون‌آشام نداشتند.»^(۱)

و اینچنین، علی بن ابیطالب تصویری از جهان عصر بعثت ترسیم نموده و برای همیشه در اختیار تاریخ قرار می‌دهد.

در ایجاد نظم انسانی و تربیت دقیق و بی سابقه در حیات خلق و در نو آوریها و جذب قلوب، نیرویی خارق العاده داشت و اینچنین انسانی، شایستگی آن را داشت تا نه تنها رهبریت آن بهامه، بلکه رهبری کل جامعه بشریت را پذیرا شود و به همین دلیل، خلقت زیبای خاتمت بر قامت رسایش پوشانده شده است و برای جهانیان به عنوان رهبر معرفی می‌گردد.

راز بعثت

فاطمه زهرا حبیبه رسول خدا در قسمتی از خطبه معروفش، علت بعثت پیامبر را اینچنین بیان می‌کند: ابعث الله الانما لامر و عزیمه علی امضا حکمه و انفاذا لمقادیر حتمه خدا پیامبر را مبعوث فرمود تا حکمت آفرینش را تمام کند و عزم راسخ خود را امضا نماید و مقدرات تخلف ناپذیرش را جاری سازد.

در واقع، زهرا سلام الله علیها تلویحاً به این نکته اشاره می‌فرماید که بعثت انبیا، رسته‌ای بود که از آدم آغاز شد و ناگزیر، پایانی داشت و این پایان، به واسطه بعثت پیامبر تحقق یافت. گرچه آغاز نیز مقدمه شناخت پایان بود، یعنی در واقع هدف از بعثت تمامی انبیا، آماده ساختن اذهان بشریت برای شناخت یک چنین مولودی بود.

فیض، عالم بزرگوار قطعه نقیسی را در این باره، از بعضی علما نقل کرده و می‌فرماید:

«بالاخرین و کاملترین هدف انسان، نیل به سعادت قرب حضرت الهی است و این سعادت، به جز با شناساندن انبیا ممکن نبود پس نبوت، مقصود اصلی خلقت را تشکیل می‌دهد و مراد از نبوت، سیر کمالی و نهایی نبوت است نه آغاز آن. زیرا نبوت هم، همچون پدیده‌های دیگر مشمول نعمت الهی که به تدریج به کمال خود می‌رسد - می‌باشد. مانند بنای یک ساختمان که به تدریج پیش رفته و به پایان می‌رسد. بدینسان، اصل نبوت از حضرت آدم پی ریزی شد و به تدریج رشد نمود تا به وسیله حضرت محمد (ص) به کمال خود رسید. اینکه می‌گوییم نبوت، هدف اصلی خلقت را تشکیل می‌دهد مراد، سیر نهایی و تکامل نبوت است و آغاز

آن نیز، وسیله‌ای است برای رسیدن به کمال. مانند پی ریزی بنا و دیوارکشی، که وسیله‌ای برای به دست آوردن خانه‌ای کامل می‌باشد. به همین جهت است که حضرت محمد (ص)، خاتم النبیین است؛ چه اینکه بالاتر از کمال، نقطه عروجی نیست و دیگر تقصیر است مانند زیاد شدن انگشت بر انگشتان پنجگانه دست. و شخص حضرتش، به همین نکته اشاره می‌فرماید شخص حضرتش که: «مثل نبوت، مانند خانه‌ایست در حال ساختن، که از آن، جز نهادن یک آجر باقی نمانده و من همان آجر آخری هستم.»^(۳)

و در حقیقت با این توضیح، معنی آن حدیث قدسی را بسیار زیبا درک می‌کنیم آنجا که می‌فرماید: لولاک لما خلقت الافلاک... و این چنین است که خداوند تبارک و تعالی برای اهدای هیچ نعمتی بر انسان منت نگذاشته است و تنها نعمتی را که سزاوار منت می‌داند بعثت خاتم الانبیا است در آنجا که می‌فرماید:

لقد من الله علی المؤمنین اذ بعثت فیهم رسولا من انفسهم یتلوا

*** اصل نبوت از حضرت آدم پی ریزی شد و به تدریج رشد نمود تا به وسیله حضرت محمد (ص) به کمال خود رسید. اینکه می‌گوییم نبوت، هدف اصلی خلقت را تشکیل می‌دهد مراد، سیر نهایی و تکامل نبوت است.**

علیهم آیات و یزکیهم و یعلم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لقی ضلال مبین

به تحقیق، خدایر مومنین منت نهاده زیرا رسولی را در میان آنان از خودشان برانگیخته است که آیات خدا را بر آنان می‌خواند و آنان را تزکیه نموده و تعلیم کتاب و حکمت می‌کند. گریه آنان در گذشته، در گمراهی آشکار بودند (۱)

ره آورد بعثت در کلام فاطمه

«با تابش نور وحی، تاریکیهای جهل و کفر روشن شد و تیرگیها را از دلها زدود و چشمها را از غبار تاریکیها روشنی بخشید و با هدایت در میان مردم قیام کرد و آنها را از گمراهی نجات داد و از کوری، بصیرتشان بخشید و به سوی دین قویم هدایتشان کرد و به راه راست دعوتشان نمود» (۲)

رفتار و کردار و گفتار پیامبر، که سنت و شیوه جدیدی را در زندگی ارائه می‌نمود، وسیله‌ای بود برای روشنی چشمها و هدایت قلوب. سجاایه‌ایی که در اثر شرک و جهل و آداب و رسوم غلط، دیدگان مردم را گرفته بود با بعثت وی کنار زده شد. پیامبر، مردم را از فرهنگ غلط و پویایی که مسائل و اعتقادات خرافی و موهوم و بی اساس را به نام اعتقادات مذهبی انتصاب کرده بودند رهانید و بصیرت و روشن‌نگری به آنان عنایت کرد. ثمره این بصیرت، هدایت به دین قویم است؛ دینی که بر اساس اعتدال و راستی و درستی قوام گرفته است و گمراهان، به طریق رشد و کمال دعوت شده‌اند.

طریق مستقیم یا صراط، همان راهی است که انسان را سریع به مقصد و مطلوب نهانیش می‌رساند و قرآن، دعوت پیامبر را به همین راه مشخص کرده است و انک ائدعو هم الی صراط مستقیم. (۳)

این ارائه طریق و دعوت پیامبر، به گروهی از مردم در زمان و مکان خاصی تعلق ندارد؛ این دعوت همگانی است و همه مردم را، در همه زمانها و مکانها در بر می‌گیرد زیرا خدای تعالی فرمود:

و ما نفرستادیم تو را مگر برای همه مردم به جهت دادن بشارت و انذار. (۴)

آری، پیام پیامبران گریه هدف مشترکی دارد اما در

وسعت و عمق، همتای هم نیستند. کاملترین انسان، جامعترین پیام را می‌رساند و او، شخص نبی اکرم است.

و چون رسالت پیامبر جهانی است بنابراین، آئین او نیز جهانی است و در هر عصری و در هر نسلی و در هر تمدنی، جای خاص خویش را داشته و هرگز رنگ زوال و کهنگی و فرسودگی را به خود نگرفته و جاودانه است و ملتها بسته به استعداد و توان و ظرفیت خویش بهره‌های لازم را از این دین می‌توانند بگیرند.

دین او، تنها دین چند بمدی جهان است و امت محمد و کتاب محمد همه دارای ابعادی مختلف می‌باشند و اینچنین است که اگر واقعاً نقش محمد و هدف اسلام بر مردم جهان روشن شود هرگز فرد بدون غرضی یافت نخواهد شد که اسلام را به عنوان حرکتی ارتجاعی مستهم سازد. زیرا خلاصه بشریت در عصر حاضر، تنها به وسیله پیروی از این آئین برطرف می‌گردد.

پیام بعثت

پیامبر اسلام، یکی از اهداف اساسی بعثت را، تکمیل مکالم اخلاقی دانست و به این وسیله، ارزش و اهمیت این امر حیاتی را در سرنوشت انسان و جامعه اسلامی روشن می‌نماید.

او در کوتاه مدت، با کردار و گفتار خویش آینه‌توان تحول اخلاقی در جامعه ایجاد نمود که از افرادی نادان و سرگشته و حیران، پارسایانی حکیم ساخت و او هیچ، همه چیز درست کرد.

او کبریای عرب را به تواضع، قساوت را به رأفت، پراکندگی را به وحدت، جدایی را به همبستگی، کفر را به ایمان، بت پرستی را به توحید، بی پروایی را به عفت، انتقام را به عفو، بطالت را به تلاش، خودخواهی را به نوع دوستی، درشتی را به نرم خوئی، بخل را به ایشار و سفاقت را به عقل مبدل ساخت.

در حقیقت، تحقق دین در جوامع بشری به دو صورت عملی می‌گردد:

۱- تبلیغ حقایق دین با گفتار و کردار و آشنا نمودن تمامی

بشریت با عقاید حق، به گونه‌ای که فطرت‌های سالم شکفته و بارور شوند و این مهم، در زندگی رسول اکرم به نحو بسیار عمیقی محقق گشت. او با شعار: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا»، تمامی تعلقات و وابستگی‌ها را از مردم قطع نموده و تنها، عبودیت «الله» را به آنان یادآور می‌شود و در این راه، خود هرگونه سختی و شکنجه‌ای را تحمل می‌کند و کلمه حق را با تحمل رنج‌های خویش، در قلوب یکایک مردم جایگزین می‌سازد.

۲- اجرای احکام اسلام و استقرار نظام اجتماعی اسلام، که چهره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی امین دین را در عمل روشن می‌کرد و این قسمت را نیز پیامبر به بهترین وجه، در طول دوران رسالتش انجام داده و اسلام را از حد یک عقیده فراتر برده و مبانی عملی آن را تبیین می‌نماید و با رأفت و رحمتی که خدا از نام‌های خود به او عطا فرموده است^(۸) این مدینه فاضله را محقق می‌سازد.

قرآن، راز موفقیت پیامبر را در میان چنین جامعه سرگردانی، تنها متصف بودن او به صفت رحمت ذکر می‌کند و می‌فرماید:

فما رحمه من الله لنت لهم ولو كنت فظا غليظ القلب لا تلقوا من حولك^(۹)

به جهتی رحمتی که خدایه تو عنایت کرده آنان را پذیرا گشتند و اگر تو خشن و سختگیر بودی حتما از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

و چگونه او از نفوذ خاص پرنوردار نباشد، چرا که در دامان ربوبیت خالق تربیت گشته و خود می‌فرماید پروردگرم مرا ادب کرد و نیکو ادب نمود و اینچنین است که او، دارای خلق عظیم می‌شود

قرآن! قانون اساسی بشریت

اما کتابی را که او به عنوان قانون اساسی بشریت و برنامه جاودانه، به ملت‌ها و امتهای عرف می‌کند قرآن است که از مهم‌ترین معجزات حضرتش می‌باشد.

این کتاب، نور است، نه تنها ایهامی در آن نیست بلکه خود، روشن کننده راه است؛ سفره‌ای است که پیامبر، از آن

به عنوان سفره خدا یاد می‌کند.^(۱۰)

تنها انسان برای بهره‌مند شدن از این سفره، تنها باید گرمته باشد و بدون بردن غذای دیگر بر آن وارد شود تا بتواند از این مانده پر فایده، کمال استفاده را بنماید. چرا که این سفره، آنچنان پر بار است که هر کس به اندازه استعداد و ظرفیتش می‌تواند از آن بهره‌مند شود.

حضرت امام خمینی قدس سره الشریف در این باب در کتاب آداب الصلوه می‌فرماید:

«بزرگترین رحمت‌های الهی قرآن است تو اگر به رحمت ارحم الراحمین طمع داری و آرزوی رحمت واسمه‌داری از این رحمت استفاده کن، طریق وصول به سعادت را باز نموده و چاه را از راه روشن فرموده. اگر تو خود در چاه می‌افتی و از راه معوج می‌شوی رحمت را چه نقصانی است.»^(۱۱)

دلیل اینکه قرآن، معذوق رحمت خاصه پروردگار است اینکه رحمن، اولین مرحله نزول رحمتش را تعلیم قرآن بیان نمود آنجا که می‌فرماید: الرحمن علم القرآن.

تمام آیات قرآن، هماهنگ و متحد می‌باشد. به همین جهت نمی‌توان هیچ یک را جدای از مجموع، مورد تحقیق قرار داد. قرآن، کتابی است که برای هدایت جهانیان نازل شده است و به همین جهت، بازمان فطرت سخن می‌گوید و معارف والا را با لسان تشبیه بیان می‌کند. در واقع، کار پیامبر بر این است که سبب را برطرف نموده تا مردم بینا شوند زیرا قرآن، خود تابناک است و نور هم که پوشیده نیست. بلکه اگر ابرهای انحراف، از دل‌های تیره کنار رود تابش امین نور به وضوح احساس می‌شود.

قرآن، از جهتی قول تعیل^(۱۲) نام گرفته و از جهتی دیگر، نام آن قول آسان^(۱۳) است. از این جهت که با فطرت و نظام آفرینش هماهنگ است برای ذکر کلی، آسان است و از جهت اینکه، گفتار حق است و بایرهان همراه می‌باشد سنگین است و در باطن انسان فرو رفته و توهه می‌نماید. اثر این نور که نفوذ ناپذیر است عزیز است زیرا هیچ مکتبی، فکری و برهانی در طی قرون و اعصار گذشته، با همه تلاش‌ها نتوانست است بر او غلبه نماید و نخواهد توانست چون، قرآن کتاب

رساله جان علوم

هدایت است. اگر حقیقت قرآن با انسانی باشد حتما او هدایت خواهد شد و در هدایت او هیچگونه ضلالتی راه ندارد.

قرآن، کتاب انسان سازی است چرا که خود می فرماید: «الرحمن علم القرآن خلق الانسان» قرآن تعلیم داده می شود تا انسانی ساخته شود که به تمام معنی، انسان لقب بگیرد. جان کلام آنکه، خدا به واسطه پیامبر کتابی را به دست امت می دهد که اگر به آن متمسک شوند هرگز به ضلالت نخواهند رسید.

امت محمد

قرآن، خود در آیه آخر سوره فتح تصویر بسیار زیبا و جامعی از امت پیامبر ترسیم نموده و می فرماید: «خاصیت یک چنین امتی این است که بر کافران بسیار دل سخت و با یکدیگر، بسیار مشفق و مهربانند. آنان را در حال رکوع و سجود نماز بسیار بنگری که فضل و رحمت خدا و خوشنودی او را می طلبند و بر رخسارشان از اثر سجده نشانهایی پدیدار است. این وصف حال آنها در کتاب تورات و انجیل است که مثل حالشان به دانه ای ماند که چون، سر از خاک برآورد شاخه ای نازک و ضعیف باشد، پس از آن قوت یابد تا آنکه ستبر و قوی گردد و بر ساق خود، چنان راست و محکم بایستد که دهقانان در تماشای آن حیران شوند. همین طور هم، اصحاب محمد از ضعف به قوت دست تا کافران عالم را از قدرت خود به خشم آورند. خداوند فرموده است که هرکس از آنها، ثابت ایمان و نیکوکار شود گناهانش را بخشد و اجر عظیم عطا کند.»

در این آیه، نهایت خصوصیت این اصحاب را رشد و کمال می داند که بر پای خود ایستاده و استقلال خویش را حفظ نموده و از هرگونه تشبیه اجانب خودداری نموده و آنچنان در فکر و عمل قوت داشته باشند که سبب خشم کفار گردند. البته، این مصداق تا حدود زیادی پس از انقلاب شکوهمند اسلامی تحقق یافته و به چشم می خورد اما باید پذیرفت که هنوز همه آن ارزشهای اخلاقی که پیامبر برای صیانت آن سالها رنج و زحمت را پذیرا شد در میان اکثریت

مسلمانان جهان کمتر به چشم می خورد. در این صورت باید اعتراف کرد که اسلام، قبل از همه به دست خود مسلمانان مظلوم و مهجور واقع می شود.

«و قال الرسول يا رب ان قومي اتخذوا هذا القرآن مهجورا».

و امروز، یکی از وظایف اساسی ما به عنوان امت آن پیامبر، احیای ارزشهای اصیل اخلاقی و بازگشت به قرآن و اصول اسلامی است که روگردانی از این اصول، مشکلات بزرگی را پدید خواهد آورد.

وصلی الله علی محمد و اهل بینه الطیبین الطاهرین

زیرنویس ها:

۱- خطبه ۹۵ - نهج البلاغه

۲- سوره جمعه - آیه ۲

۳- علم الغیب من ۱۰۵ - مثل البیوه مثل دار معموده لایق فیها الا موضع له و لنا تلك البه

۴- سوره آل عمران - آیه ۱۶۱

۵- فان الله یسمد سلی الله علیه و آله ظلمها و کشف من القلوب بهما و یلی من الاحصار فسمها و قام فی الناس بالهدایه فانظفهم من الفوائه و صرهم من العمایه و هداهم الی الدین القویم و دعاهم صراط مستقیم. (قسمتی از خطبه معروف حضرت زهرا)

۶- سوره مؤمنون - آیه ۶۳ حتما تو مردم را به صراط مستقیم هدایت خواهی کرد

۷- سوره بقره - آیه ۲۸

۸- سوره توبه - آیه ۱۲۸: بالموئین رؤوف رحیم

۹- سوره آل عمران - آیه ۱۵۹

۱۰- القرآن مایه الله فخلدوا مایهه مالم یسلطنم - بحار ج ۹۲ ص ۱۹

۱۱- آداب الصلوه ص ۱۴

۱۲- ازنا طلیک قولاً هجلاً - سوره مزمل آیه ۵

۱۳- واهد سیرنا القرآن للذکر

۱۴- سوره فرقان - آیه ۲۹: در آن روز پیامبر در پیشگاه خدا عرض می کند: پروردگارا قوم من این قرآن را رها و مهجور کردند.